

تماشاخانه

کار نویست | نعیم تدین | naeemator@gmail.com



روزانه ۱۰ میلیارد تومان هزینه مصرف سیگار می شود

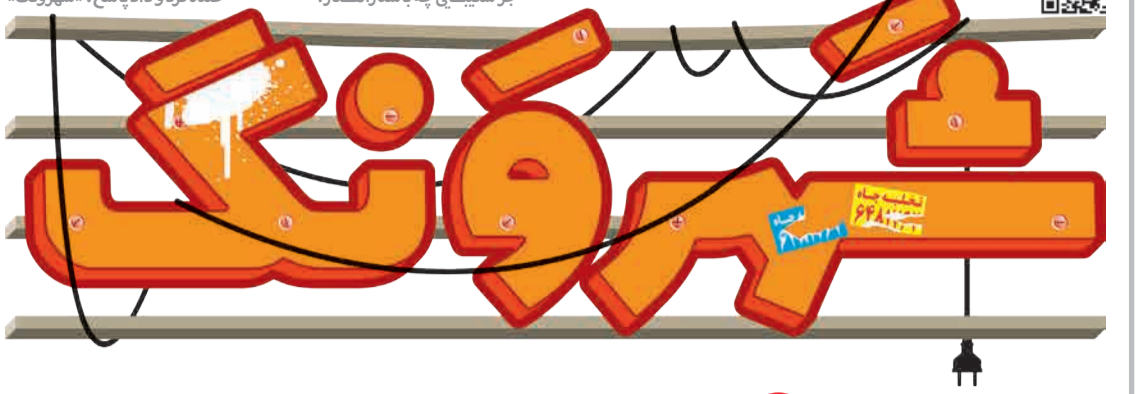


شهرونگ

توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهرونگ»

پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هفتصد و بیست و یکم



احتمال افزایش ۲۰ درصدی قیمت نان فانتزی در سال آینده

مردم: نون که دیگه کارت ملی نمی خواد؟!

- گوشت: بانون کاری نداشته باشید، هر بلایی می خواد سر من بیارید!
- کارشناس تلویزیون: این هم سند غیر قابل انکار دیگری از وابستگی عده‌ای به خارجی‌ها!
- لواش: چرا فانتزی‌های من برای کسی مهم نیست؟! **#نان_خالی_خورها#چی_بخوریم_دیگه!#شهرونگ**

فروش ضایعات گوشتی واستخوان

از آنجایی که ما خیلی به هوشیم

اگر کمبود باشد، می خرو و شیم

برای صرفه جویی توی مصرف

زران تا استخوان را می فروشیم!

ارمغان زمان فشمی #شهرونگ

کوچه اول



پایه فوتبال مملکت | امیر مسعود فلاح یکی از چیزهایی که در روزها و هفته‌های قبل به اندازه تمام موهابیم (فکر تان را به کار بندازید بعد نیشنال را باز کنید. نگفتم موهای سرم، گفتم تمام موهابیم!) شنیده‌ام عبارت «پایه فوتبال» است. لب کلام طیف وسیعی از افشار مختلف جامعه که این عبارت را در قالب فحش‌های صریح و عربان در کامنت‌های پای بست‌ها و فحش‌های پیچیده و پنهان در پست‌های بالای همان کامنت‌ها ابراز می کنند این است که «پایه فوتبال» مملکت خراب است و با تعویض و تغییر سیستم بازی و بازیکن و سرمربی حل نمی شود. البته بنده قبول دارم که ما مشکلات عدیده مدیریتی داریم اما عبارت «پایه فوتبال» یک جور است. مثلاً از عزیزانی که این عبارت را در روز ده‌ها بار به کار می برند بپرسید پایه فوتبال دقیقاً یعنی چی؟ مدیریتی؟ می گویند نه. بوجه و سرمایه مالی؟ نه. مدیریت سرمایه انسانی؟ نه. نگاه مبنایی به جایگاه ورزش قهرمانی در کشور؟ نه. «پایه دیگه، پایه هر چی پایه‌ش درست باشه خودشم درسته و هر چی پایه‌ش خراب باشه خودشم خرابه.»

نیمه پنهان بناهای تاریخی



پل‌های متحرک انزلی | جابر حسین زاده وقتی موسیو بهلر فرانسوی پیشنهاد ساخت پل در بندر انزلی را به ناصرالدین شاه قاجار داد، شاهنشاه همان‌طور که ولو شده بود روی تخت سلطنتی دستی به سیل‌هاش کشید و زل زد به موسیو. بهلر دوباره با صدای بلندتر پیشنهادش را مطرح کرد و باز پادشاه دست کشید به سیل‌هاش. صدر اعظم که کنار موسیو ایستاده بود، یواشکی با آنج زد توی کلیه‌چپ بهلر و آهسته گفت: «می فرمایند سیل ما چقدر چرب می شود بابت این پل؟» موسیو بعد از پی بردن به کنه ماجرا از دربار زد بیرون و هفته بعد با دفترچه‌های مته و بر آورد برگشت و کلی باناصرالدین شاه چانه زد تا بعد از ضریب بالاسری و ضریب منطقی‌اش، ضریب سیل‌ها را هم به میزان ۱۲ درصد توی قرارداد بگنجانند. شاه به کمتر از ۵۰ درصد راضی می کنند، پل متحرک گفته نمی شود.)

جشنواره فیلم فجر از نگاه دانشمند ایرانی

لباس قشنگ‌ها تون رو نریزید تو جشنواره‌ها



حسام حیدری طنز نویس
بپوشد و به دبیر جشنواره بگوید: «امشب می‌خوایم با هم پرواز کنیم» و به این ترتیب فضای جشنواره را از این رکود خارج کند.
صایر ایبر که در این زمینه رقابت تنگاتنگی را با نوید محمدزاده دارد، بالاخره بی خیال شال گردن‌های دوازده متری سال‌های قبلش شد و این بار به پوشیدن یک کت چهارخانه همراه با جوراب قرمز و کفش دامادی بسنده کرد. امسال از ترکیبات زیبای: تی شرت عکس باب اسفنجی با کت و شلوار و کفش کتانی و یا مانتو با دو متر سرشانه و اِپُل و کیف دو متر در دو متر چرم خبری نیست. فقط یک مورد لباس هالوین با جوراب سبزه طرح کاکتوس در بین خانم‌ها داشتیم و یک مورد رومی‌زی رنگی که خانم بهنوش بختیاری به تن کرده بود. ولی انتخاب ما برای کسب سیم‌رغ همچنان همان بازیگر خانمی است که با چکمه شست‌وشوی فرش آمده بود که در نوع خودش آوانگارد و تابوشکن به نظر می‌رسید.

از اینها گذشته فیلم‌ها آنچنان تعریفی ندارند و هر چه فیلم‌ها بیشتر نمایش داده می‌شوند، درود و سلام تماشاگران به هیأت انتخاب هم بیشتر می‌شود. واقعا این که چطور شد که یک سری از فیلم‌ها تو جشنواره انتخاب شدند؟ و این که بقیه فیلم‌ها چقدر از اینها بدتر بودند که انتخاب نشدند؟ دو سوالی است که نمی‌شود جوابی برایش پیدا کرد.
فیلم‌های برتر آرای مردمی هم اعلام شدند، ولی معلوم نیست که هر کدام از فیلم‌ها چند تار آری آورده‌اند. جالب اینجاست که بعد از اعلام اولیه، هر روز یکی از فیلم‌ها حذف می‌شود و حتی ممکن است یک فیلم جدید اضافه شود. این شیوه آنچنان پر تعلیق است که کمر سینماگران را هم خم کرده. امیدوارم امسال هم مردم بتوانند فیلم مورد نظر مسئولان و مدیران جشنواره را انتخاب کنند و گرنه مدیران جشنواره مجبور می‌شوند خودشان این زحمت را بکشند که باعث اذیت‌شدن آنها و پوست‌پوست‌شدن دستشان می‌شود.

شبگردی

ذکاوت خانم باجی!



شهرام شهیدی
طنز نویس

پدرم دور خانه راه می‌رفت و زیر لب می‌گفت: «ای امان امان» خانم باجی پرسید: «چت شده شما؟ چرا عین مرغ پر کنده...» پدرم گفت: «من تازه می‌فهمم چرا باید مارادونا را اول کنیم و غضنفر را اچسبیم.» خانم باجی گفت: «بحث را قرمز و آبی نکنی که با پشت دست می‌زنم تو دهانت. حالا شمرده شمرده بگو غضنفر کیست؟ مارادونا کیست؟ اگر بگویی مارادونا خودتی هم باز با پشت دست...»
پدرم گفت: «شما چرا خشونت طلبی؟ می‌خواهی بزنی دنبال پنهان می‌گرددی؟ نخیر مارادونا من نیستیم، اما غضنفر بی‌شک شما هستی.» خانم باجی گفت: «بله بله؟ چشمم روشن؟ چرا چنین اراجیفی به هم می‌یافی؟» پدرم گفت: «شما مگر با این قصابی سر کوجه دست به یکی نکرده بودی که بروی در صف گوشت ارزان قیمت وارداتی که بعد بدهی به قصاب محل؟» خانم باجی گفت: «خب بد کردم برای اقتصاد خانواده کار کرده‌ام؟ گوشت ارزان خریدم و با ۱۰ درصد سود فروختم به قصاب؟»

پدرم گفت: «شعفا! شگفتا! عجب ذکاوتی. اتفاقاً من امروز رفتم گوشت بخرم دو برابر قیمت دولتی سه من فروخت. الان می‌فهمم دکتر ظریف از دست خودی‌ها و داخلی‌ها چه کشیده که گفته در مذاکرات بیشتر نگران داخلی‌ها بودیم.»

خانم باجی گفت: «خبه خبه! شلوغش نکن. به من چه که مصرف گوشت در این خانه دو برابر شده؟ اگر عین قبل مصرف می‌کردید لازم نبود امروز گوشت بخری.»
خاله گفت: «حتما زبانی خوش خوشانمان شده که دو برابر گوشت مصرف می‌کنیم. یا شاید خل شده‌ایم.»

خانم باجی گفت: «به من چه. امار است و مو لای درزش نمی‌رود. رئیس مجمع صادر کنندگان دام زنده گفته به دلیل توزیع گوشت ارزان وارداتی، مصرف گوشت دو برابر شده!»

عموجان گفت: «بن چه امارهای متناقضی است می‌دهند؟ اتحادیه فندان اعلام کرده مردم توان خرید شیرینی ندارند و برای همین ۴۰ درصد از فروش قنادان تهران کالسته شده. آن وقت دو برابر گوشت می‌خرند؟»

روح آقا جان از تو صندوق گفت: «لابد گوشتش شیرین بوده!» خانم باجی گفت: «تو یکی گور به گور بشی که بعد مرگ هم فکر و ذکرت آزار من است. تازه بوی که به جای مایحتاج خانه فقط سکه می‌خریدی و نگه می‌داشتی. آرزو به دل ما ندیم یک چنجهای شیشلیکی بخری. حالا هم که قیمت سکه آمده پایین نمی‌توانم سکه‌هایت را بفروشم و چیزی بخرم.»

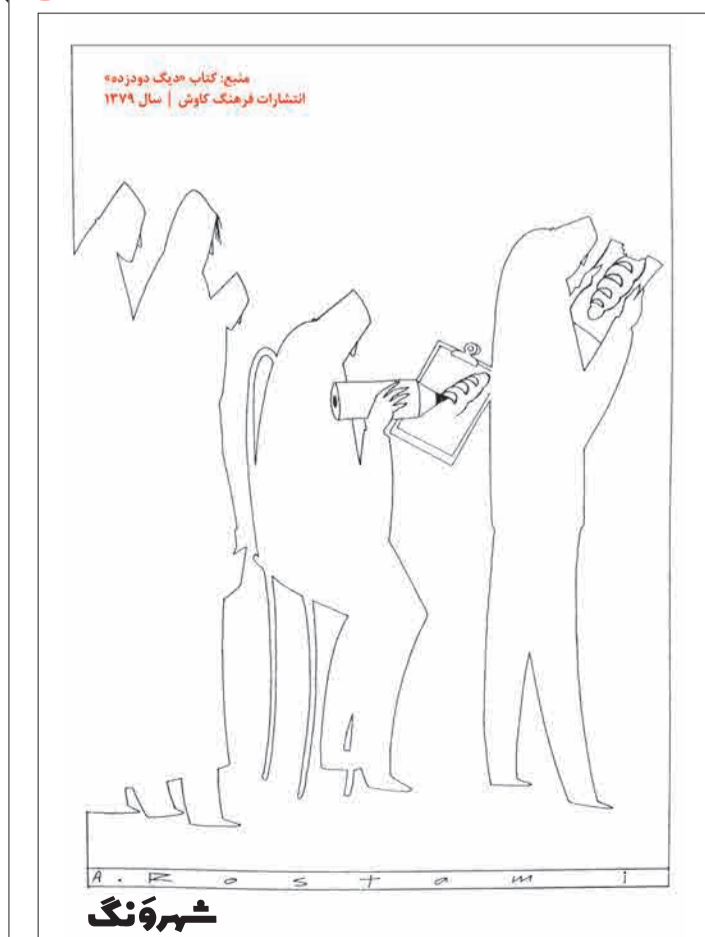
روح آقا بزرگ گفت: «به من چه که شوروی جهانی طلا اعلام کرده تقاضای ایرانیان برای طلا ۳۵ درصد کاهش یافته ایرانی‌ها یکپهوهوس می‌کنند بخردند، طلا گران می‌شود. حالا هوس کرده‌اند طلا نخرند، خوب آرزو می‌شود. هیچ کار و دخالتی هم به اقتصاد جهان و بالا پایین شدن قیمت طلا ندارند.»

پدرم گفت: «البته من فکر کنم در بازار جهان نقش دارند. چون تا شوروی جهانی طلا گفت تقاضای ایرانیان برای طلا ۳۵ درصد کاهش یافته بانک مرکزی ونزوئلا هم اعلام کرد ونزوئلا فروش ۲۰ تن طلا را به تعویق انداخته. اما این‌ها جواب من نشد. خانم باجی از نو می‌پرسم. کی گفته بود در این وانفسای تورم...»

خانم باجی گفت: «کی گفته تورم وجود دارد؟» پدرم گفت: «بناهاش. این جان نوشته رئیس کل بانک مرکزی از اسب سرکش تورم انتقاد کرده.»

عموجان گفت: «عجب. اسگار وزیر نفت از وضع احداث سکوی نفتی انتقاد کند و وزیر ارشاد از آمار کتابخوانی!»

شهر فرنگ | اردشیر رستمی | کار نویست



شهرونگ